# فهرست مطالب

[فهرست مطالب 1](#_Toc426759140)

[خطبه اول 3](#_Toc426759141)

[شهادت حضرت زهرا (س) 3](#_Toc426759142)

[خطبه فدکیه 4](#_Toc426759143)

[مقام عصمت 4](#_Toc426759144)

[مهم‌ترین خصوصیت انبیاء و ائمه (ع) 4](#_Toc426759145)

[ابعاد دیگر شخصیت حضرت زهرا (س) 5](#_Toc426759146)

[عصمت بر اساس علم و کمالات مبتنی است 5](#_Toc426759147)

[خصوصیت عصمت 5](#_Toc426759148)

[اصول مذهب تشیع 6](#_Toc426759149)

[ائمه (ع) از هر خطایی مصون هستند 6](#_Toc426759150)

[مقام عصمت حضرت زهرا (س) 6](#_Toc426759151)

[مهم‌ترین دلیل مقام عصمت 7](#_Toc426759152)

[تأکید آیه شریفه تطهیر 7](#_Toc426759153)

[معنای رجس در آیه شریفه 7](#_Toc426759154)

[تفسیر آیه تطهیر 8](#_Toc426759155)

[جوان‌ها مجهز به استدلال‌ها شوند 8](#_Toc426759156)

[استدلال بر تشیع 8](#_Toc426759157)

[مهم‌ترین آیاتی که اعتقاد ما را اثبات می‌کند 9](#_Toc426759158)

[معنای اهل‌بیت 9](#_Toc426759159)

[منظور از اهل‌بیت زن‌های پیغمبر(ص) نیستند 9](#_Toc426759160)

[مهم‌ترین مقام 10](#_Toc426759161)

[الگوهای بشریت 10](#_Toc426759162)

[قسمت‌هایی از خطبه فدکیه 10](#_Toc426759163)

[شهادت به وحدانیت خدا 11](#_Toc426759164)

[رسول خدا (ص) بنده خاص خداوند 11](#_Toc426759165)

[پیش‌قراولان توحید 12](#_Toc426759166)

[دستورات الهی 12](#_Toc426759167)

[رسول خدا (ص) از میان شما رفت 13](#_Toc426759168)

[شما در معرض امتحان هستید 13](#_Toc426759169)

[روضه 14](#_Toc426759170)

[خطبه دوم 15](#_Toc426759171)

[تفسیر آیه 18 سوره الحشر 15](#_Toc426759172)

[فکرکردن به مرگ 15](#_Toc426759173)

[به فکر آینده خودتان باشید 16](#_Toc426759174)

[همه‌چیز در پیشگاه خدا آشکار است 16](#_Toc426759175)

[مفاسد اجتماعی 16](#_Toc426759176)

[ما امروز شاهد زنگ‌های خطر جدی هستیم 17](#_Toc426759177)

[حساسیت‌زدایی 17](#_Toc426759178)

[سرگذشت عبرت‌آموز اندلس اسپانیای امروز 17](#_Toc426759179)

[جریانات جدی اخلاقی و معنوی 18](#_Toc426759180)

[حساسیت در قبال انحرافات 18](#_Toc426759181)

[ساختار خانواده 19](#_Toc426759182)

[مبارزه با فساد و منکر 19](#_Toc426759183)

[جامعه باید حساس باشد 19](#_Toc426759184)

[تأمین نیازهای جوانان 20](#_Toc426759185)

[ضعف معنویت 20](#_Toc426759186)

[توجه به قرآن 20](#_Toc426759187)

[جوانان را با مبانی دینی آشنا کنیم 21](#_Toc426759188)

[دعا 21](#_Toc426759189)

# خطبه اول

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدالله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنتهدی لولا ان هدانا الله ثم صلاة و سلام علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی لقاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهرین سیما بقیة الله فی الارضین. اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم،‌ یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ[[1]](#footnote-1)عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوا الله و ملازمة امره و مجانبة نهیه و تجهزوا عبادالله فقد نودی فیکم بالرحیل و تزودوا فان خیر الزاد التقوا**

همهٔ شما برادران و خواهران نمازگزار و خودم را به پارسایی، تقوا، خویشتن‌داری، اصلاح نفس و اعمال و تهذیب اخلاق سفارش و دعوت می‌کنم.

امیدواریم خداوند همهٔ ما را بر عمل به وظائف الهی و پایداری درراه خودش توفیق کرامت بفرماید.

# شهادت حضرت زهرا (س)

گر چه قرارمان این بود که از هفتهٔ قبل بحث نماز را در 7،8 خطبه مطرح کنیم. اما حیفم آمد که در آستانهٔ شهادت صدیقهٔ طاهره فاطمه زهرا (س) مباحث این خطبه پیرامون این چهرهٔ نورانی و شخصیت بزرگ عالم اسلام و یادگار رسول گرامی اسلام (ص) نباشد.

ازاین‌جهت است که من با اجازهٔ نماز گذاران عزیز بخش‌هایی را از خطبهٔ فدکیه قرار است در محضر شما ترجمه کنم. گرچه قسمت‌های عمدهٔ این خطبه را چند سال قبل تقریباً در چند خطبه موردبحث قراردادیم. اما از باب تیمن و تبرک و برای توسل به حضرت زهرا (س) و بهره‌گیری از سخنان آن حضرت بخش‌هایی از خطبهٔ نورانی فدکیه تقدیم محضر مبارک شما می‌شود.

# خطبه فدکیه

این را ما همان وقت مفصل بحث کردیم و عرض کردیم که این خطبهٔ فدکیه از خطبه‌هایی است که شانه می‌زند به شانهٔ خطبه‌های رسول خدا (ص) و همین‌طور امیرالمؤمنین (ع) و تقریباً می‌شود گفت هیچ تفاوتی میان سخنان حضرت زهرا (س) و سخنان پدر بزرگوار و همسر گرامی‌شان نیست.

و سر آن‌هم این است که همان مقامات معنوی و ولایی و همان درجات باطنی که برای ائمهٔ طاهر ین و رسول گرامی اسلام (ص) ثابت بوده در همان حدود و همان مقامات برای صدیقهٔ طاهره حضرت زهرا (س) هم مقررشده و ثابت است.

# مقام عصمت

دریکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که برای ائمهٔ طاهر ین (ع) و پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) نقل‌شده است و ما به آن اعتقادداریم مقام عصمت حضرت پیامبر (ص) و ائمهٔ طاهر ین (ع) و انبیاء (ع) است.

با یک درجاتی که بر این عصمت هست. عصمت هم‌معنایش این است که این انوار بزرگوار و این چهره‌های نورانی دارای یک روح بلند و درجه‌ای از معنویت هستند که به گناه نزدیک نمی‌شوند و آفت گناه و گرد گناه بر دامن این‌ها نمی‌نشیند. این‌یک مقام خیلی بلندی است که در غیر معصومین غیرازاین ائمه طاهر ین (ع) اختلاف است که آیا عصمت هست یا نیست.

# مهم‌ترین خصوصیت انبیاء و ائمه (ع)

مقام عصمت بنا بر اعتقاد شیعه و با یک اختلافاتی حتی همهٔ مسلمان‌ها آن مقام و عصمت در رسول خدا (ص) و در انبیاء و ائمه (ع) وجود دارد.

این‌یکی از مهم‌ترین خصوصیت‌های ائمهٔ طاهر ین (ع) و انبیاء عظام مقام عصمت است یعنی اینکه گناه نمی‌کنند. گرد گناه به دامن آن‌ها نمی‌نشیند و به اندیشهٔ گناه و تخطی از مرزهای الهی و عبور از آن حریمی که خداوند برای زندگی بشر مقرر کرده به اندیشهٔ آن‌هم نمی‌افتند.

و هیچ‌گاه و هرگز مرزهای حرمت خدا و معصیت را نمی‌شکنند این مقام عصمت است.

# ابعاد دیگر شخصیت حضرت زهرا (س)

این مقام عصمت به همان نحوی که برای ائمهٔ طاهر ین (ع) و رسول گرامی اسلام (ص) ثابت است در اعتقاد ما به همان معنا برای حضرت صدیقهٔ طاهره فاطمهٔ زهرا (س) هم ثابت است و این خود نشان‌دهنده آن ابعاد دیگر شخصیت حضرت زهرا (س) است.

علت آن این است که وقتی می‌گوییم کسی معصوم است، پاک و پاکیزه است، منزه از گناه و تخطی مرزهای الهی است، این عصمت و معصوم بودن و پاک بودن از آلودگی‌ها نشان‌دهندهٔ خیلی از ویژگی‌های دیگر است یعنی شخص ازنظر علم، معرفت، کمالات، فضائل به درجه و اوج و قله‌ای برسد و اگر به آنجا رسید لازمه‌اش این است که دیگرکسی گناه نمی‌کند.

# عصمت بر علم و کمالات مبتنی است

پس پاک بودن از گناه و معصوم بودن از خطا و انحراف و اشتباه بر پایهٔ علم و معرفت و کمالاتی است که در شخص جمع است و آن کمالات که جمع شد آن‌وقت به مقام عصمت می‌رسد. این هم چیز خیلی عجیبی نیست.

آدم‌هایی هر چه باشخصیت تر و هر چه علم و دانش و شخصیت و معرفت بیشتری داشته باشند از یک سری خطاها و گناهان و ناهنجاری‌ها مصون­تر هستند. اعتقاد ما این است که در میان بشر کسانی به اوج این علم و معرفت و کمال رسیدند به‌طوری‌که هیچ گناه و آلودگی از آن‌ها صادر نمی‌شود و این خیلی طبیعی است و عقل پسند است.

بنابراین عصمت بر اساس آن علم و معرفت و کمالات روحی و اخلاقی مبتنی است و اگر جایی کسی معصوم شد خود این جملهٔ معصوم بودن یک شخص و خصوصیت پاک و پاکیزه بودن یک انسان نشان‌دهندهٔ بسیاری از کمالات و معارف و درجات روحی است که یک شخص بهره‌مند از آن است.

# خصوصیت عصمت

در صدر ائمه (ع) و رسول گرامی اسلام (ص) مقام عصمت است. **«إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْی یوحی و ما ینْطِقُ عَنِ الْهَوی»[[2]](#footnote-2)** رسول خدا (ص) از هوای نفس چیزی نمی‌گوید. او وحی الهی را ابلاغ می‌کند. او اهل خطا و انحراف و معاض الله گناه و ناهنجاری نیست.

آیات قرآن این را بیان کرده است. این خصوصیت در ائمه (ع) هم هست. این خصوصیت عصمت وقتی‌که ما می‌گوییم امامت یکی از اصول اعتقادی تشیع است، امامتی که ما در اعتقاد شیعه به آن معتقد هستیم یعنی امامت ائمه (ع) با مقام عصمت، معصوم بودن ائمه (ع) از گناه. این امامت از اعتقادات ما است.

# اصول مذهب تشیع

وقتی می‌گوییم ائمه طاهر ین (ع) امامان ما هستند و دلیل بر آن می‌آوریم و اقامهٔ برهان می‌کنیم و جزء اصول مذهب تشیع به‌حساب و به شمار می‌آید معنایش این است که در درون امامت یعنی معصوم بودن این انوار طیبه و این بزرگان از خطا، انحراف و گناه و آلودگی است و به خاطر همین هم است که این‌ها الگوی مطلق هستند.

# ائمه (ع) از هر خطایی مصون هستند

هرکسی را ما پیشوا قرار دهیم ممکن است یک جای کارش خطایی داشته باشد. اما وقتی‌که به این چهره‌هایی که ما آن‌ها را به نام ائمه طاهر ین (ع) می‌نامیم می‌رسیم، این‌ها از هر خطایی مصون هستند. این مقام امامت است که لازمهٔ مقام امامت همان مقام عصمت است.

پاک بودن از گناه و مقام عصمت هم یعنی خیلی کمالات، خیلی درجات، خیلی از مدارج روحی و اخلاقی که جمع شد، یک فردی معصوم و دارای مقام عصمت می‌شود.

حالا این امامت و ولایت و مقام عصمت که در اعتقاد شیعه است برای رسول خدا (ص) غالب مسلمان‌ها معتقد هستند و برای ائمهٔ طاهر ین (ع) ما با استدلال و منطق به این‌ها معتقد هستیم. این‌ها مقدمهٔ عرض من بود.

# مقام عصمت حضرت زهرا (س)

چیزی که امروز در آستانهٔ شهادت بانوی نمونهٔ اسلام، آن چهرهٔ عالی‌مقام زنان صدر اسلام و همهٔ زنان و مردان تاریخ باید روی آن تأکید کنیم این است که حضرت زهرا (س) همان مقام عصمتی که در ائمه (ع) است در ایشان هم وجود دارد. و این کم مقامی نیست.

این عالی‌ترین مقامی است که در میان بشر ممکن است کسی به آن مقام نائل شود. مقام عصمت. فکر گناه نمی‌کند، از مرزهای گناه و معصیت عبور نمی‌کند، فرامین خدا را زیر پا نمی‌گذارد و هوا و هوس بر وجود او حاکم نیست. این مقام عصمتی است که معتقدیم حضرت زهرا (س) دارد.

# مهم‌ترین دلیل مقام عصمت

مهم‌ترین دلیل مقام عصمت همان آیهٔ شریفهٔ تطهیر است. سورهٔ احزاب آیهٔ 33.

این آیه را همیشه یادتان باشد. آیه‌ای است که قبل و بعد آن راجع به زن‌های پیامبر (ص) است. اما یک آیه آمده که **«إِنَّمَا یرِیدُ اللَّهُ لِیذْهِبَ عَنکمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَیطَهِّرَکمْ تَطْهِیرًا»[[3]](#footnote-3)** این آیه از آیات کلیدی اعتقادات شیعه است. همیشه به یادتان باشد. و ما بر محور این آیه بسیاری از اعتقاداتمان را اثبات می‌کنیم.

# تأکید آیه شریفه تطهیر

این آیهٔ شریفه با چند تأکید خطاب به یک جمعی واردشده که خدا خواسته است. ارادهٔ الهی است.

به ارادهٔ الهی ارادهٔ انحصاری خداوند به این تعلق‌گرفته که رجس و پلیدی را از شما دور بدارد. و شمارا پاک کند. مفصلان وقتی‌که این آیه را تفسیر می‌کنند 7،8 تأکید از این آیه بیرون می‌آورند. با آن وجوه معانی، بیانی و ادبی.

آیه با یک تأکید هر چه بیشتر یک گروهی را می‌گوید که خدا خواسته است. **«إِنَّمَا یرِیدُ اللَّهُ»**[[4]](#footnote-4) خدا چنین خواسته است. منحصراً خدا چنین اراده کرده است که **«لِیذْهِبَ عَنکمُ الرِّجْسَ»[[5]](#footnote-5)** پلیدی‌ها را از شما دور کند و شمارا پاک کند. با قرینهٔ آیات دیگر و با شواهدی که در قرآن و روایات هست.

# معنای رجس در آیه شریفه

این رجس در اینجا یعنی ناپاکی و آلودگی منتها ما یک آلودگی‌ها و ناپاکی‌های ظاهری داریم که بدن کسی را آلوده می‌کند، یک رجس‌ها و آلودگی‌های باطنی داریم که روح را مکدر می‌کند. جان‌ها را آلوده می‌کند. این همان گناهان است.

در منطق قرآن رجس یعنی غیبت، تهمت، کبر، حسادت، ترک واجبات و ارتکاب محرمات.

وقتی می‌گوییم غیبت یا تهمت یا حسادت یا اذیت دیگران یا آزار رساندن به همسایه، خویشان و جامعه و مانند این یا ترک نماز یا بی‌توجهی به عبادت. عین همان آلودگی‌های ظاهری این‌ها هم آلودگی است. منتها آلودگی روح و جان است.

یک ارادهٔ قاطع الهی به این تعلق‌گرفته است که آلودگی‌ها را از جان و روح شما بزداید و تأکید می‌کند **«وَیطَهِّرَکمْ تَطْهِیرًا»**[[6]](#footnote-6) و شمارا کاملاً پاک می‌کند. انحصاراً ارادهٔ الهی است.

# تفسیر آیه تطهیر

آیهٔ تطهیر از آیات ولایت و امامت و از پایه‌های اعتقاد شیعه در قرآن کریم است. چون شیعه اگر بخواهد از اعتقادات خودش دفاع کند در برابر مذاهب دیگر و پایبند به آن باشد دلیل می‌خواهد و این دلیل هم باید برگردد به قرآن، عقل و به سخن و سیرهٔ رسول خدا (ص) که نمی‌شود از ائمه (ع) در اینجا استفاده کرد.

این را باید از رسول خدا (ص) یا قرآن سؤال کرد، یا عقل قضاوت کند. عمده این است که ما از خود قرآن و از سنت و کلمات رسول خدا (ص) تشیع و اعتقادات شیعه را اثبات کنیم این راهی است که باید به آن توجه داشته باشیم.

# جوان‌ها مجهز به استدلال‌ها شوند

و جوان‌های ما باید مجهز به این استدلال‌ها بشوند که اگر نشوند موج‌های شبهه می‌آید و اعتقادات را تضعیف می‌کند. یکی از امواج شبهه‌هایی که روزگار ما اشکالات و روزگاری است که با ارتباط‌هایی که وجود دارد از هر طرف ممکن است گوشه‌ای از فکر و اعتقادات ما مورد هجوم قرار بگیرد.

یکی از پایه‌های فکری ما تشیع است. اعتقاد به امامت ائمه و ولایت آن‌هاست و نسل جوان ما در این بعد هم مثل سایر ابعاد در معرض هجوم است. در معرض شبهه است و باید نسل جوان ما مجهز به این استدلال‌ها شود.

# استدلال بر تشیع

استدلال بر تشیع هم باید از خود قرآن باشد. و از رسول خدا (ص) باشد. آن‌وقت در آیات ولایت و امامت صدها آیه در قرآن کریم داریم که پیرامون امامت و ولایت است. کم نیست. اما در میان این صدها آیه‌ای که داریم 10،20 تا بیشتر نمی‌شود. از آیاتی است که پایهٔ استدلال آن‌ها قرص است و تقریباً هیچ آدم منصفی نمی‌تواند بگوید که این استدلال را قبول ندارم.

یک تعدادی از آیات است که پشتوانهٔ اعتقاد تشیع است و مبنای استدلال بر امامت و مقاماتی است که ما برای امیرالمؤمنین (ع) و سایر ائمهٔ طاهر ین قائل هستیم.

# مهم‌ترین آیاتی که اعتقاد ما را اثبات می‌کند

در این چارچوب یکی از مهم‌ترین آیاتی که مبنای استدلال شیعه است، اعتقاد ما را اثبات می‌کند آیهٔ تطهیر است.

این آیه یک قاعده را می‌گوید. خدا می‌فرماید که ارادهٔ خدا این است که یک جمعی از شمارا از هر ناپاکی مصون بدارد و آن‌ها را در کمال طهارت حفظ کند. خود قرآن می‌گوید این‌ها اهل‌البیت (ع)هستند.

# معنای اهل‌بیت

اهل‌بیت معنایش معلوم است. اهل خانه و وابستگان به خانه‌ای است و بیت هم در اینجا منظور بیت رسول خدا (ص) است.

وابستگان به خانهٔ تو مشمول این قاعده و مخاطب این آیه هستند. منتها اینجا آیا منظور زن‌های پیغمبر است یا ربطی به زن‌های پیامبر ندارد و مربوط به کسان دیگری است.

# منظور از اهل‌بیت زن‌های پیغمبر(ص) نیستند

به دلایل مختلف که خیلی از مفسرین اهل سنت هم این را قبول دارند. البته بعضی از آن‌ها قبول نکردند اما دلایل وجود دارد که اهل‌بیت در این آیه منظور زن‌های پیغمبر (ص) نیستند. زن‌های در این آیه یک افراد دیگری هستند که آن‌ها هم عبارت هستند از امیرالمؤمنین (ع)، امام حسن و امام حسین (ع) و در میان آن‌ها هم فاطمهٔ زهرا (س).

این دلایل و شواهد است که هم ازنظر ادبی در خود این آیه است که این آیه با آیات زن‌های پیغمبر (ص) فرق دارد. هم ضمیر، هم نوع خطابش که آن‌ها همه مربوط به زن و مؤنث است و این مربوط به زن نیست.

درهرحال این آیه ازنظر کلی می‌گوید خدا یک جمعی را معصوم کرده است. خدا اراده کرده که در میان بشر یک افرادی معصوم از گناه باشند.

برای هدایت بشر و سعادت و رستگاری بشر خداوند یک گروهی را از هر گناه و ناپاکی مصون داشته و آن‌ها را پاک نگه‌داشته تا برای بشر حجت باشند. تا راه را به بشریت نشان دهند. تا با خیال راحت جامعه و انسان‌ها بتوانند به این افراد اعتماد کنند.

این آیهٔ تطهیر است که از استدلال های قوی ما بر امامت و عصمت و مقامات امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن و امام حسین (ع) و حضرت زهرا (س) است.

# مهم‌ترین مقام

ازاین‌جهت است که مهم‌ترین مقامی که می‌شود برای یک فرد در این عالم ذکر کرد، مقام عصمت و پاکی است یعنی جایی که هیچ ناخالصی نباشد.

جانی که از هر آلودگی پاک باشد. روحی که از هر گناهی مبرا باشد. این مبرا بودن از هر گناه و آلودگی نشانهٔ عظمت روحی و کمالات فراوان و معرفت یک انسان است و ما با استدلالی که به این آیه داریم و سایر ادله شیعه معتقد است که مقام عصمت اختصاص به رسول خدا (ص) ندارد ضمن اینکه ایشان در اوج عصمت و معصومیت هستند، گروهی دیگر هم که اهل‌البیت هستند همین خصوصیت را دارا هستند.

# الگوهای بشریت

بر اساس آیهٔ تطهیر و آیات دیگر و روایاتی که از رسول خدا (ص) نقل‌شده است و این اعتقاد شیعه است که اهل‌البیت مصون و معصوم و پاک و مبرا و پاکیزه از هر گناه هستند که این‌ها الگوهای بشریت هستند و فاطمه زهرا (س) هم در این گروه قرار دارد.

این مقام عصمت ایشان است. و البته ادلهٔ دیگر هم برای مقام عصمت فاطمه زهرا (س) است. همان روایاتی که می‌گوید غضب فاطمه غضب خداست، رضای فاطمه (س) رضای خداست. این‌ها برای کسی گفته می‌شود که در او هیچ ناپاکی نباشد، هیچ نقطهٔ انحرافی در وجود او نباشد تا غضب او غضب خدا شود و مهر و قهر او مهر و قهر الهی شود. بنابراین باید توجه داشته باشیم که فاطمهٔ زهرا (س) در چنین مقامی است.

و به این مقام که کسی رسید آن‌وقت خطبه فدکی او با خطبه‌های رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) فرقی نمی‌کند.

# قسمت‌هایی از خطبه فدکیه

من چند سال قبل خطبهٔ فدکیه را مفصل توضیح و تشریح کردم. امروز هم با این بخش از سخنم را تکمیل می‌کنم که یک قسمت‌هایی از خطبهٔ فدکیه، خطبهٔ آتشینی که فاطمه زهرا (س) در اوج شهامت، شجاعت در برابر امواج سهمگین انحرافی که بعد از رسول خدا (ص) در مسیر امامت و ولایت پدید آمده بود.

این خطبه یک اعلام موضع در برابر همهٔ انحراف‌هایی است که باقدرت تمام بر اسلام تحمیل شد و جریان ولایت و امامت به انحراف کشیده شد. فاطمه زهرا (س) همان‌طور که میدانید در آن شکوه و جلالی که در مسجد مدینه حاضر شد، شروع کرد به سخن گفتن، یک‌سخن طولانی، یک خطابهٔ آتشین و یک‌کلامی پر از معارف الهی.

# شهادت به وحدانیت خدا

بعد از حمد ثنای خدا می‌فرماید: **(واشهدان لااله الا الله وحده لاشریک له)[[7]](#footnote-7)**به وحدانیت خدا شهادت می‌دهم. کلمات زیبایی که اخلاص باطن این کلمه است و خداوند آن را در دل‌ها گنجانده است.

حقیقت توحید را خداوند به دل‌ها الهام کرده، فطرت‌ها را بر توحید آفریده و خداوند عقل‌ها را به فهم توحید منول کرده اینکه ما بفهمیم وحدانیت خدا این مایهٔ نورانیت عقل ماست.

**«ابْتَدَأَ الْأَشْیاءَ لَا مِنْ شَی‌ء کان قبل‌ها»[[8]](#footnote-8)** خداوند بی هیچ وسیله و بی‌هیچ سابقه‌ای باارادهٔ ازلی خودش اشیاء را از کتم عدم بیرون آورد و این عالم را برپا کرد.

و آن‌همه نعمت‌ها را برجهان و جهانیان ارزانی داشت. بدون آنکه کوچک‌ترین نیازی به خلقت این عالم یا به این انسان‌ها داشته باشد.

همهٔ این خلقت و جلوه‌گری در پدیدار شدن عالم را خدا دارد برای اینکه بندگان به‌سوی او حرکت کنند و خداوند ثواب را برای کسانی قرارداد و درجات رضوان خودش را به کسی ارمغان کرد که این کلمه را بفهمند و در مسیر عبودیت و توحید خدا قدم بردارند.

# رسول خدا (ص) بنده خاص خداوند

و بعد می‌فرماید **(اشهد ان ابی محمد صلی الله و علیه و آله عبده و رسوله)** گواهی می‌دهم که پدر من پیامبر خدا، رسول خدا و بندهٔ خاص او بود.

خدا او را از میان بشر و انسان‌ها برای رسالت خودش انتخاب کرد. و بر این رسول گرامی (ص) تکمیل کرد برای هدایت آن امت و هنگامی‌که خداوند دید بشریت در اختلاف‌ها فروافتاده و همهٔ انسان‌ها در بت‌پرستی و شرک و آلودگی‌ها فرو غلتیده‌اند و به بندگی بت‌ها پناه آورده‌اند و از خداوند فاصله گرفتند.

خدا این زمین ظلمانی و شرک‌آلود را با نور رسول خدا (ص) نورانی کرد. قلب‌ها را هدایت کرد، تاریکی‌ها را کنار زد نور را بر این عالم سایه‌افکن ساخت **«و جلا عن الأبصار غم‌ها و قام فی النارب الهدایت و انغضهم من القوایه»[[9]](#footnote-9)** این سنت خدا بود که در تاریکی بشر در ظلمت جهل و نادانی بشر این نور را، این چراغ هدایت را بر شما ارزانی داشت.

و بعد خداوند او را به سمت خود دعوت کرد درحالی‌که از او راضی بود. او رسالت خود را انجام داده بود. به وظائف رسالت خودش عمل کرده بود. درحالی‌که ملائکه او را در احاطهٔ خود قرار داده بودند و خدا از او در کمال رضایت و خشنودی بود او را به‌سوی خودش دعوت کرد، بعد فرمود مردم اکنون رسول خدا (ص) از میان شما رفته است.

# پیش‌قراولان توحید

اما شما جمعی هستید که پیش‌قراولان توحید و رسالت خدا هستید. شما مردمانی بودید که این کرامت و افتخار را خدا به شما عنایت کرد که مخاطبان رسول خدا (ص) قرار گرفتید. این کم توفیق و کرامتی نیست برای یک مردمی که مخاطب چنین رهبری عظیم و رسولی بزرگ قرار بگیرند. و او با شما پیمان بست.

و اینک به شما نگاه می‌کند که آیا آن پیمان‌های الهی و بندگی خدا را رعایت می‌کنید یا نه؟ او وقتی از میان شما رفت که همهٔ آنچه برای سعادت و رستگاری شما و عزت و سرافرازی شما لازم بود برای شما مقرر کرد.

# دستورات الهی

قوانین الهی را بر شما تکمیل کرد. ایمان را مایهٔ طهارت دل‌های شما قرارداد. نماز را سرمایهٔ پاکی جان‌های شما قرارداد. و زکات را برای تزکیهٔ انفس شما و برای نمو اقتصاد و رشد شما قرارداد. روزه را نشانه‌ای برای اخلاص شما و حج را مبنایی برای عظمت دین شما قرارداد. و عدالت را برای هماهنگی و هم‌فکری جامعه مقرر کرد و اطاعت از امامان حق را مبنای نظم اجتماعی قرارداد و امامت ما را محور وحدت شما مقرر کرد و جهاد را برای عزت اسلام تبلیغ کرد و صبر درراه خدا را برای تمام شدن اجر شما مقرر کرد. امربه‌معروف را مقرر کرد تا جامعه روی سعادت و خوبی ببیند. و نیکی به پدر و مادر را مایهٔ دوری از غضب خدا قرارداد. وصلهٔ ارحام را موجب رشد و کمال شما قرارداد و قصاص را برای مصون بودن خون‌ها در جامعه مقرر کرد. این‌ها دستورات الهی بود.

# رسول خدا (ص) از میان شما رفت

درحالی‌که آن نظام کامل رستگاری و سعادت جامعه و فرد را تبلیغ کرده بود و خدا از او راضی بود و از میان شما رفت. اینک شما بدانید ای مردم که من فاطمه‌ام. پدر من محمد (ص) است. او پدر من بود او از من رضایت داشت.

او همهٔ رسالت خودش را انجام داد و در کمال رضایت الهی به‌سوی خدا پر گشود و به آن عالم رفت.

اما امروز بدانید مردمی که در مسجد مدینه جمع شده‌اید، بدانید که نفاق‌های پنهان زمان رسول خدا (ص) سر برآورده است. دل‌های شرک‌آلود و غیر مؤمن به رسالت رسول خدا (ص) که زمانی در کام فروبرده بودند و به مخفی گاه‌ها پناه برده بودند در غیبت رسول خدا (ص) و پس از رحلت او باز لب به سخن گشودند و شیطان از زبان آن‌ها سخن‌ها در میان شما می‌پراکند.

# شما در معرض امتحان هستید

و امروز شما بر سر یک آزمایش و دوراهی بزرگی قرار دارید. خدا با پدر من و با رسول خدا (ص) شمارا از آن سختی‌ها نجات داد اما امروز شما در معرض این امتحان هستید. شمارا چه می‌شود که به همهٔ آن عهدها و پیمان‌ها پشت کرده‌اید.

**«فَهَیهَاتَ مِنْکمْ، وَ کیف بِکمْ، وَ أَنَّی تُؤْفَکونَ، وَ کتَابُ اللَّهِ بَینَ أَظْهُرِکم»[[10]](#footnote-10)** به کدام سو می‌روید؟ مگر به یاد نمی‌آورید آن عهد و پیمان‌ها و آن میثاق‌های محکم رسول خدا (ص) که امروز همهٔ آن‌ها زیر پا گذاشته است. آموز الهی و احکام خدا آشکار است. اعلام و خدا روشن است ولی شما آن‌ها را پشت سر قراردادید. و چه زود آن‌همه امر و فرمان و عهد و میثاق را زیر پا گذاشته‌اید، چقدر زود دعوت‌های رسول خدا (ص) را فراموش کرده‌اید و دعوت‌های شیطان را پاسخ دادید. شیطانی که درصدد است که نور دین را خاموش کند. این وضع امروز شماست. مگر نمی‌بینید که ارث من و میراث من را به‌ناحق می‌گیرند و شما خاموش نشسته‌اید. برخلاف آیات خدا و قوانین الهی.

چه حجتی بر این خاموشی شما در پیشگاه خدا دارید؟ این‌ها بخش‌هایی از خطبهٔ فدکیهٔ حضرت زهرا (س) است. اما فکر می‌کنیم که این خطبهٔ آتشین و این استدلال‌های متغن، این فریادهای قوی حضرت زهرا (س) در دل آن مردم در آن فاصلهٔ کوتاه اثر کرد، روشن است که این اثر نکرد.

**(السلام علیک ایتها الصدیقة الطاهره)** سلام و درود خدا بر تو ای تنها یادگار رسول خدا (ص). ای کسی که انتظار این بود که جامعه بعد از پیامبر خدا (ص) تو را به اوج کرامت بنشاند و تو را همان‌طور که پیامبر (ص) می‌خواست تکریم کند اما آن‌ها این مسیر را طی نکردند به‌جای تکریم فاطمه (س). این خیلی جای غصه است. هر وجدان بیداری را، هر انسان آگاهی را متأثر می‌کند که یک چنین دختر پاک، یک چنین زن نمونه، یک چنین انسانی که آن مقامات را دارد و این‌جور هم جامعه را بیدار و آگاه کرده در فاصلهٔ روزهای کم مظلومانه شب‌ها گریه کند.

# روضه

شب‌ها در خانهٔ انصار و مهاجرین برود و دست رد بر سینهٔ او بزنند. مظلومانه نگاه کند که شوهرش را با آن حال مظلومیت به مسجد می‌برند و او بر همهٔ آن‌ها صبر کند. این دل هر انسان آگاه و مؤمنی را به درد می‌آورد که تصور کند که مردم جمع شدند در خانهٔ دختر رسول خدا (ص) به‌جای عرض تسلیت، به‌جای تکریم و تجلیل هیزم جمع کنند و آتش برافروزند. و چنان هجوم بیاورند به در خانه که فاطمهٔ زهرا (س) بین درودیوار صدا بزند که یا فضه کجایی که پهلوی مراشکستند، محسن مرا سقط کردند. علی (ع) را صدا نزد، برای این‌که برای علی (ع) احترام قائل بود. شرمش می‌آمد که علی (ع) را آزرده‌خاطر کند. صدا زد فضه بیا ببین که میخ‌های در با پهلوی من برخورد کرد.

**لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِی الْعَظِیم [[11]](#footnote-11)وَسَیعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَی مُنقَلَبٍ ینقَلِبُونَ[[12]](#footnote-12)**

**بسم الله الرحمن الرحیم. اِنّا اَعْطَیْناکَ الْکُوثَر فَصَّلِ لِرَّبکَ وانْهَر اِنَّا شانِئَکَ هُوَ الاَبْتَر [[13]](#footnote-13)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهرین اللهم صل و سلم و زد و بارک علی امیر المؤمنین و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و صل علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر صلواتک علیهم أجمعین اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ [[14]](#footnote-14) عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوا الله**

همهٔ شما برادران و خواهران نمازگزار و خودم را به تقوا و پارسایی توصیه و سفارش می‌کنم.

# تفسیر آیه 18 سوره الحشر

خداوند در همین آیه که تلاوت شد دو بار ما را به تقوا، پارسایی و پرهیزکاری دعوت می‌کنند و بعد می‌فرمایند: هرکسی بین خودش و خدا حساب کند که چه چیزی برای آخرت آماده کرده است. و چه توشه‌ای پیشاپیش برای لحظهٔ مرگ و احتضار، برزخ و قبر و قیامت فرستاده است.

و آن توشه می‌تواند او را به رضوان و جنان الهی برساند یا نه؟ هرکسی بیندیشد، تأمل کند، غفلت از این نکند، به فکر این نکته باشد که چه چیزی فرستاده است. همین کافی است.

# فکرکردن به مرگ

ما هرروز یک نگاه این‌چنینی داشته باشیم. یک تأملی کنیم که چه چیزی فرستاده‌ایم. و این فکر را نمی‌کنیم. معمولاً روزها بر ما می‌گذرد و حتی در این اندیشه نبوده‌ایم که چه برای آخرت فرستاده‌ایم.

به وظایف خود عمل کردیم یا نه؟ گذشتیم از چیزهایی برای خدایا نه؟ این را معمولاً به فکرش نیستیم. همین‌الان اگر هر یک از ما تأمل کند غالباً این‌طور هستند. البته افراد ممتازی پیدا می‌شوند که اهل حساب‌وکتاب هستند ولی معمولاً روزها و هفته‌ها و ماه‌ها با غفلت سپری می‌کنیم.

# به فکر آینده خودتان باشید

خدا می‌فرماید ای مؤمنان تقواپیشه کنید و به اندیشهٔ آیندهٔ خودتان باشید و ببینید و تأمل‌کنید که چه برای آینده فرستاده‌اید. و دوباره تأکید می‌کند **(وَاتَّقُوا اللَّهَ)**[[15]](#footnote-15) اگر به فکر و حساب‌وکتاب بودید آن‌وقت تقوای بالاتر پیدا می‌کنید. **(إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)**[[16]](#footnote-16) خدا آگاه به اعمال شماست. امروز ممکن است خطا و انحراف خودتان را از چشم پدر و مادر یا فرزند و همسر یا مسئول اداره یا حکومت یا جامعه یا هر کس دیگری خطای خود را مخفی بداری. اما در بارگاه عدل الهی و در پیشگاه چشم بینا و تیزبین عدل الهی هیچ‌چیزی مخفی نخواهد بود.

# همه‌چیز در پیشگاه خدا آشکار است

این عالم است که چیزهایی آشکار و چیزهایی مخفی است. همین‌که آن عالم پدیدار شد همه‌چیز آشکار می‌شود. اینجاست که ما امور را دو نوع داریم. امور آشکار و امور مخفی.

یا چیزهایی را دیگران از من و شما می‌دانند و چیزهایی را از ما و شما نمی‌دانند. اما در آن عالم و در پیشگاه خدا همه‌چیز آشکار است و آنجا خودتان هم می‌فهمید که آشکار است و جای انکار باقی نمی‌ماند.

این خصوصیت قیامت است. امروز به این توجه کنید. **(ان الله خبیر بما تعملون)**[[17]](#footnote-17) امیدواریم خداوند همهٔ ما را بر فهم این ظرائف و دقائق و به کار بستن این تعالیم نورانی توفیق کرامت بفرماید.

# مفاسد اجتماعی

چند نکتهٔ کوتاه عرض می‌کنم. یکی راجع به مفاسد اجتماعی است که باید آگاهی و هشداری داد برای اینکه جامعه بیدار باشد.

ما باکمال تأسف درجاهای مختلف کشور نشانه‌هایی را از فساد اخلاقی و معنوی شاهد هستیم. طبیعی است که پاک بودن یک جامعه از هر فساد چیزی است که امکان ندارد.

طبیعی است که نباید سخت‌گیری بی‌جا و بی‌ربط هم داشت اما درعین‌حال آنچه که امروز زنگ‌های خطرش به صدا درآمده چیزی نیست که بشود به‌سادگی از کنار آن عبور کرد.

واقعاً مسئولین و خود مردم و خانواده‌ها اگر بیدار نشوند، اگر حساسیت در قبال فساد و گناه و خطا و انحراف، در اشکال مختلف آن در امور اداری، اقتصادی باشد تا امور اخلاقی و اجتماعی همهٔ این‌ها برای جامعه مهم است.

# ما امروز شاهد زنگ‌های خطر جدی هستیم

استقلال ما، کیان مجد ما، عظمت کشور ما، سعادت اخروی ما، همهٔ این‌ها درگرو این است که ارکان اخلاقی و اجتماعی جامعه قوی و سالم باشد. و یکی از ابعاد آن زنگ‌های خطر در باب آن به صدا درآمده و این اختصاص به‌جایی هم ندارد.

البته ما در روزگاری هستیم که امواج فساد و گناه و آلودگی در دنیا منتشر است و این امواج طبعاً ما را هم می‌گیرد.

# حساسیت‌زدایی

اما آنچه بسیار بد است، تمام شدن حساسیت در قبال فساد، خطا، انحراف و گناه است. در اشکال مختلف آن.

این حساسیت‌زدایی چیزی است که دشمن برای ما می‌طلبد و اگر این حساسیت‌زدایی در جامعهٔ ما به عمل بیاید، آن‌وقت راه برای هر چیزی فراهم می‌شود.

دیگر لازم نیست که دشمن بیاید و ما را از بین ببرد ما خودمان از درون تهی شده‌ایم. سرگذشت دولت‌های گوناگون قوی که به خاطر پوسیدگی از درون از بین رفته‌اند، این باید امروز برای ما عبرت‌آموز باشد.

# سرگذشت عبرت‌آموز اندلس اسپانیای امروز

سرگذشت عبرت‌آموز اندلس اسپانیای امروز که اگر در آن روزگار شکست نخورده بود اروپای امروز یکپارچه در جلگهٔ اسلام قرار داشت.

اندلس که فخر بشریت بود. نشانهٔ رشد، عظمت و ترقی همهٔ بشریت در آن روزگار و در قرون خودش بود به شکست رسید و یکی از پایه‌های مهم آن این را خود غربی‌ها هم نوشته‌اند، رواج منکرات، فساد، فحشا، بی‌بندوباری در جامعه بود. جایی که نمونهٔ رشد و توسعهٔ جهان اسلام بود.

و در آن روزگار برای بشریت یک مشعل بود. و در متن اروپا هم بود، به خاطر مشروبات حرام، به خاطر فساد و فحشا شکست خورد. وقتی‌که نسل جوان یک جامعه به‌جای تحصیل و ترقی علم و آگاهی و بینش سیاسی و فعال بودن در عرصه‌های مختلف به کام اعتیاد، فساد، فحشا و منکرات افتاد آن جامعه هرگز روی خوش و ترقی را نخواهد دید.

ما نباید آن مسیری را برویم که غربی‌ها رفتند که عظمت و ترقی خودشان را هم همراه کردند با یک فسادی که امروز خودشان هم می‌دانند چه بلایی بر سر آن‌ها درمی‌آورد.

بنیان خانواده را متزلزل کرده و از آن لطافت روح، از آن پاکی معنوی که وجه ممیز انسان است چندان خبری نیست و آن‌ها هم احساس تشنگی برای این معنویت می‌کنند.

# جریانات جدی اخلاقی و معنوی

و علی‌رغم همهٔ فسادها و منکراتی که در آن سرزمین‌ها حضور دارد درعین‌حال جریانات جدی اخلاقی و معنوی هم موردتوجه است.

ما نیاییم این سرمایه‌های موجود خودمان را از دست بدهیم. ما اگر عبادت، معنویت، توجه به خدا را از دست دادیم به‌جای آن فساد و منکر رواج یافت. همهٔ سرمایهٔ معنوی و رشد و ترقی مادی خودمان را هم از دست خواهیم داد. آن‌وقت دشمن‌هایی که بر دروازه‌های ما ایستادند. آن‌کسانی که آن عظمت و شکوه اسلام را نمی‌پسندند. آن‌ها آماده هستند برای اینکه ضربهٔ نهایی را به ما بزنند.

# حساسیت در قبال انحرافات

آن چه که از همهٔ این‌ها مهم‌تر است این است که مسئولان ما، پدر، مادر، خانواده حساس در قبال انحراف نباشد. البته در کنار این حساسیت به‌جایی که در مقابل منکر و فساد و فحشا در جامعه لازم است که باشد، باید تدابیری هم برای تسهیل در ازدواج، برای تأمین نیازهای طبیعی و ضروری نسل جوان فراهم کرد.

# ساختار خانواده

هم حکومت و هم‌خانواده و جامعه و هم کسانی که تمکن دارند. هیچ‌چیزی بالاتر از این نیست که خانواده استوار شود. بنا و ساختار در نظام اجتماعی اسلام مهم‌تر از ساختار و بنای خانواده و ازدواج نیست.

هرکسی که قدمی برای تسهیل از امر ازدواج بردارد به‌خصوص در این زمان بالاترین ثواب‌ها را دارد. این‌یک بخش کار است.

# مبارزه با فساد و منکر

باید با فساد و منکر به‌صورت اصولی مبارزه کرد، به‌صورت صحیح مبارزه کرد، به صورتی که واقعاً فضای تفکر جوان، فضای معنوی باشد.

الحمدالله ما از این قبیل جوان‌ها کم نداریم در همین مراسم در همین نماز جمعه ما جوان‌های برومند، رشید، سالم و قوی کم نداریم. در غیر این جا هم ما در جامعه فراوان داریم. در دانشگاه هم زیاد داریم. ما حتی در همان‌جاهایی که گاهی هم به آن اعتراض و اشکال‌داریم وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که نسل جوان یک تعداد قبول و اعتنایی هم هستند. دعای کمیل، ندبه، توجه و پاکی آن‌ها قابل‌قبول است. و این الحمدالله وجود دارد و چیز کمی نیست.

ولی زنگ‌های خطر هم به صدا درآمده است. و در مقابل این خطرها هم باید اصولی مبارزه کرد.

# جامعه باید حساس باشد

من هرگز راه‌های غیرمنطقی و کارهای بی‌حسابی که ممکن است عکس‌العمل‌های بدی ایجاد کند توصیه نمی‌کنم. اما معتقد هستم که جامعه باید حساس باشد.

خانواده در قبال سرنوشت معنوی و اخلاقی فرزندش باید بیدار باشد. آموزش‌وپرورش باید هوشیار باشد. و حرکت جامعه باید به سمتی باشد که ما معنویت را تحکیم و تثبیت کنیم. مبانی فکری و اعتقادی را تقویت کنیم. پایه‌های سلامت شخصیت را توجه کنیم و این کار سختی است. من بارها همین‌جا عرض کردم در این عصر و در این روزگار با موج‌های مهاجم، با باز بودن فضاهای اجتماعی، سیاسی و اطلاعاتی در دنیا امروز ما باید متناسب بازمان به این امور هم توجه کنیم.

# تأمین نیازهای جوانان

و تأمین نیازهای جوان از اشتغال تا ازدواج آن‌هم امر مهمی است ولی درعین‌حال هیچ‌کدام از این حرف‌ها نباید بهانه‌ای بر این باشد که ما در شهر، خانه، محله و کشورمان بی‌تفاوت باشیم.

# ضعف معنویت

اگر چنین حرکتی پیدا شود آن‌وقت ما الآن آمارهایی می‌بینیم در باب طلاق که آمارهای وحشتناکی است. در جرم و جنایت آمارهای تکان‌دهنده‌ای وجود دارد. در سرقت، در جرم، جنایت، تعدی، بی­توجهی به حقوق دیگران، بی­توجهی به حقوق الهی در محیط‌های اداری و کاری و اجتماعی، این‌ها همه بخش مهم برمی‌گردد که پایه‌های معنویت ضعیف شده است. مبانی اخلاقی سست شده است و ما باید به آن‌ها توجه کنیم.

اگر آن مبانی را درست کنیم، روح معنویت را سیانت و تقویت کنیم خیلی از این مشکلات قابل‌حل است اما البته با روش‌های درست، با شیوهٔ صحیح، با آگاهی، بافهم درست، باید این حساسیت را ایجاد کرد و در شهر ما هم همین‌طور است.

در استان ما هم که شهر و استانی است که به‌هرحال هنوز نمازهای جماعت رونقی دارد. هنوز نمازهای جمعهٔ رونقی دارد. جوان‌های بسیار خوبی دارد. مراسم دینی خوبی برگزار می‌شود که این‌ها همه علائم نویدبخش است اما کم است و اگر درست به این‌ها توجه نکنیم خطرناک است.

# توجه به قرآن

و یکی از پایه‌های این کار توجه به قرآن، جماعت، جمعه است. من واقعاً نمازهای جمعه و جماعت را از مهم‌ترین اهرم‌های پاک‌سازی جامعه و معنوی ساختن جامعه می‌دانم.

هرکدام از شما برای اینکه آن معنویت را ایجاد کنید خودتان که در مسجد، مراسم دینی و جمعه شرکت می‌کنید، خودتان را موظف بدانید که سالی چند نفر دیگر چند جوان دیگر را هم معنوی کنید. همین یک نکته کافی است.

# جوانان را با مبانی دینی آشنا کنیم

یعنی هر یک از شما هر جوان عزیزی که اهل اخلاق و معنویت و علم و دانش است وظیفهٔ خودش بداند که چند نفر دیگر را هم با مبانی دینی، مسجد، جمعه و جماعت آشنا کند. همین وظیفه خیلی مهم است و جامعه را پاک می‌کند.

ما خطرهای بزرگ سیاسی داریم. هجوم‌های شدیدی ممکن است متوجه ما شود اما اگر مبانی اعتقادی و فکری انسجام و وحدت ما و معنویت ما قوی باشد، ممکن است اختلافات سلیقه‌ای هم وجود داشته باشد که خیلی ضرر نمی‌رساند.

اگر اخلاق درست بود، اگر روش‌های صحیح برای رعایت اخلاق و معنویت و امور اجتماعی را توجه داشتیم آن‌ها نمی‌تواند ضربه بزند و امیدواریم که همهٔ ما به این امر و مسئلهٔ مهم ان‌شاءالله توجه بیشتری کنیم.

# دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعز الاجل الاکرم یا الله یا الله یا الله....**

**اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِیقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِیةِ وَ صِدْقَ النِّیةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ أَکرِمْنَا بِالهُدَی وَ الاسْتِقَامَةِ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله[[18]](#footnote-18)**

خدایا قلوب ما را به نور ایمان و معرفت منور بفرما! دل‌های ما را با معارف الهی و تعالیم دینی آشنا بفرما! خدایا لذت عبادت و معنویت و مناجات را به ما بچشان!...

1. آل عمران، 102 [↑](#footnote-ref-1)
2. قرب الإسناد (ط - الحدیثة)، المقدمة، ص 7 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره احزاب آیهٔ 33 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره احزاب آیه 33 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره احزاب آیه 33 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره احزاب آیه 33 [↑](#footnote-ref-6)
7. کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال [↑](#footnote-ref-7)
8. علل الشرائع، ج 2، ص 490 [↑](#footnote-ref-8)
9. بلاغات النساء، ص 28 [↑](#footnote-ref-9)
10. دلائل الإمامة (ط – الحدیثة، ص 116 [↑](#footnote-ref-10)
11. تحفة الأولیاء (ترجمه أصول کافی)، ج 4، ص 439 [↑](#footnote-ref-11)
12. سوره الشعرا آیه 227 [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره کوثر آیات 1 تا 3 [↑](#footnote-ref-13)
14. سور الحشر آیه 18 [↑](#footnote-ref-14)
15. سوره الحشر آیه­ی 18 [↑](#footnote-ref-15)
16. سوره الحشر آیه­ی 18 [↑](#footnote-ref-16)
17. سوره الحشر آیه­ی 18 [↑](#footnote-ref-17)
18. دعای امام زمان (عج) [↑](#footnote-ref-18)